

مقاله پژوهشی

نقش شهید آیت‌الله بهشتی در تثبیت و مشروعیت بخشی به نظام جمهوری اسلامی

ایران

قاسم حیدری نیا^۱، سوسن صفاوردی طاق*^۲ و حجت اله درویش پور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳

چکیده: مبحث مشروعیت حکومت، از مباحث اساسی و بنیادی در نظریه‌های سیاسی است. چرا که مشروعیت حکومت، پایه ثبات و دوام آن را بنا می‌نهد و عدم مشروعیت، به ناآرامی، تضعیف اقتدار و بحران‌های اجتماعی می‌انجامد. در این میان در هر جامعه‌ای، گروهی از نخبگان، چه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، مذهبی یا فرهنگی، نقش کلیدی در تعیین جهت‌گیری و جهت‌دهی به نظام حاکمیت دارند و قدرت و نفوذ اصلی را در دست می‌گیرند؛ در واقع نظریه پارتو بر این نکته تأکید دارد که مشروعیت یک حکومت، تا حد زیادی به عملکرد رهبران و توانایی آن‌ها در کسب حمایت و رضایت مردم وابسته است. این نوشتار با رویکرد تحلیل اسنادی، به بررسی نقش برجسته آیت‌الله بهشتی در تثبیت و مشروعیت بخشی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. آیت‌الله بهشتی، به عنوان یکی از نخبگان کلیدی به تأثیرگذار در این دوره تاریخی، نقش محوری در شکل‌گیری و تثبیت این نظام ایفا کرد. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آیت‌الله بهشتی با بهره‌گیری از استدلال‌های دینی و سیاسی، و همچنین با ایجاد نهادهای جدید و تقویت بنیادهای ایدئولوژیک، به تقویت مشروعیت نظام و جلب نظر اقشار مختلف جامعه پرداخت. همچنین مبانی فکری آیت‌الله بهشتی در حوزه‌های مختلف، نشان‌دهنده تلاش ایشان برای ارائه یک الگوی اسلامی و مدرن از حکومت و جامعه است. او همواره بر ضرورت تعادل بین ارزش‌های اسلامی و مقتضیات زمان تأکید داشت و معتقد بود با تکیه بر عقلانیت و اجتهاد می‌توان به راهکارهای مناسب برای حل مسائل جامعه دست یافت.

واژگان اصلی: آیت اله بهشتی، ایران، مشروعیت، نخبگان و قانون اساسی.

^۱. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

qasem.heydarinia@iau.ac.ir

^۲. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

safavrdi.so@iau.ac.ir

^۳. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

dr.darvishpour @iau.ac.ir

۱. مقدمه

از دیرباز فلاسفه، دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان به مبحث مشروعیت حکومت و مبانی آن توجه داشته‌اند و همواره این بحث در جایگاه یکی از اساسی‌ترین مباحث فلسفه سیاسی و پژوهش‌های علمی قرار داشته‌است (جلیلی، ۱۳۹۲). در اندیشه سیاسی مسلمانان نیز، همواره نوع حکومت از دغدغه‌های اصلی بوده، و اندیشمندان مسلمان با وجود اختلاف نظر در برخی مبانی حکومت، در اصل ضرورت آن، بی‌هیچ تردیدی تقریباً اتفاق نظر دارند. لاجرم، برای هر اندیشمندی که به بررسی انقلاب اسلامی می‌پردازد، این سؤال می‌تواند مطرح شود که چگونه حکومت تازه تأسیس توانست به مشروعیت مستحکمی دست یابد (برجی، ۲۰۱۱).

آیت‌الله دکتر بهشتی، از چهره‌های برجسته انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، نقشی کلیدی در مشروعیت‌بخشی به نظام نوپای جمهوری اسلامی ایفا کرد. او با بهره‌گیری از دانش حقوقی، فقهی و سخنرانی‌های مؤثر، تلاش کرد تا اصول و مبانی نظام را تبیین و به جامعه و جهان اسلام ارائه کند. این تلاش‌ها در قالب ایجاد نهادهای جدید، ایجاد ساختارهای قانونی، و دفاع از نظام در برابر مخالفان، به تثبیت و مشروعیت نظام کمک شایانی کرد (کاظمی و زارع بوشهری، ۱۴۰۳). بهشتی با حضور فعال در مجامع مختلف سیاسی و اجتماعی، مبانی دینی و فقهی نظام جمهوری اسلامی را تفسیر و تبیین کرد. او با ارائه تفسیری از اسلام انقلابی، نقش روحانیت را در جامعه مدرن و در ساختار سیاسی جدید تعریف و تأکید بر نقش مردم در اداره امور کشور، به مردم، مشروعیت نظام را تفهیم نمود. اهمیت این نقش در دوران پس از انقلاب، که هنوز نظام در حال تثبیت و سازماندهی بود، بسیار برجسته بود. همچنین، بهشتی در زمینه ایجاد نهادهای قانون‌گذار و قضایی، نقش اساسی ایفا کرد (فروهری و قنبری، ۲۰۲۴). تلاش او در تدوین قوانین و ایجاد ساختارهای حقوقی، به مشروعیت بخشیدن به نظام در قالب یک نظام قانونی و منظم کمک کرد. همچنین، مبارزات و دیدگاه‌های او در دفاع از نظام و مقابله با مخالفان، به تثبیت و استحکام نظام نوپای جمهوری اسلامی کمک کرد.

در واقع، نقش آیت‌الله بهشتی در مشروعیت‌بخشی به نظام جمهوری اسلامی، هم از طریق تبیین مبانی دینی و فقهی آن و هم از طریق فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، بسیار قابل توجه و تأثیرگذار بود. این نقش، به خصوص در دوره‌های حساس و چالش‌برانگیز اولیه انقلاب، اهمیت ویژه‌ای داشت.

و تاثیرات آن در شکل‌گیری و توسعه نظام جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده است (فروهری و قنبری، ۲۰۲۴). در این نوشتار سعی شد مؤلفه‌های اصلی اندیشه آیت الله بهشتی استخراج و تشریح شود. ترویج این اندیشه‌ها در فضای گفتمانی اوایل انقلاب چگونه می‌توانست برای اقشار و طبقات مختلف جامعه ایرانی که پس از کودتای ۲۸ مرداد دچار سرگردانی شده بود، حاوی معنا باشد تا بتواند آن‌ها را جذب نماید و از این رهگذر مبنایی مستحکم برای مشروعیت حکومت تازه تأسیس فراهم آید. بنابراین عصاره اندیشه‌های آیت الله بهشتی را ذیل کلید واژه‌هایی مانند آزادی، حقوق زنان، انتخابات، ولایت فقیه، نقش روحانیون، دیدگاه‌های اقتصادی و منشأ مشروعیت، تشریح گردید؛ که چگونه این اندیشه‌ها در قالب گفتمان اوایل انقلاب می‌توانست برای اقشار وسیعی از جامعه ایرانی (از طبقه متوسط و اقشار باسواد و شهرنشین گرفته تا طبقه کارگر و اقشار محروم و حاشیه‌نشین) حاوی معنا باشد و آن‌ها را جذب گفتمان انقلاب نماید و پشتیبانی این نیروها مبنای محکمی برای مشروعیت‌بخشی به حکومت تازه تأسیس فراهم نماید. این نوشتار به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که:

آیت‌الله بهشتی چه نقشی در تثبیت و مشروعیت‌بخشی به نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

۲- تبیین مبانی و مفاهیم نظری

۲-۱- مشروعیت

واژه مشروعیت در فرهنگ سیاسی غرب مترادف با قانون است (دلدار و همکاران، ۱۳۹۹). مشروعیت معادل واژه «Legitimacy» است و به معنای فرمانبری داوطلبانه و پذیرش آگاهانه مردم از تصمیمات قدرت سیاسی حاکم و بر حق بودن حقانیت است (کواکیان، ۱۳۷۷). در اسلام، مشروعیت از ریشه شرع گرفته شده است. در فلسفه سیاسی، مشروعیت به معنای حق حکومت کردن و لزوم تبعیت دیگران است (قلی زاده و الهی راد، ۱۳۹۵). مشروعیت، اعتبار و پذیرش قانونی و اخلاقی یک قدرت، نهاد، یا عمل است. این اعتبار می‌تواند بر اساس منابع مختلفی مانند قانون اساسی، عرف اجتماعی، اعتقادات مذهبی، یا رضایت عمومی بنا شده باشد. مشروعیت به این معناست که یک نهاد یا عمل از نظر جامعه یا گروهی خاص، قابل قبول و قابل دفاع است و حق وجود دارد (امیدی، ۱۳۹۰).

۲-۲- نقش رهبران و نخبگان در مشروعیت حکومت‌ها (نظریه پارتو)

نظریه ویلفردو پارتو بر این اساس است که در هر جامعه‌ای، یک اقلیت نخبه وجود دارد که

قدرت و نفوذ اصلی را در دست دارد. این نخبگان می‌توانند شامل رهبران سیاسی، اقتصادی، نظامی، مذهبی و فرهنگی باشند. پارتو معتقد بود که این نخبگان به طور مداوم در حال چرخش و جایگزینی هستند، و این چرخش نخبگان عامل اصلی تغییرات اجتماعی و سیاسی است (السدرجیمز، ۱۴۰۱). ویلفردو پارتو، جامعه‌شناس و اقتصاددان ایتالیایی، معتقد بود که هر جامعه‌ای به دو دسته تقسیم می‌شود (سبکتکین ریزی، ۱۴۰۳):

نخبگان (Elite): گروه کوچکی که دارای قدرت، ثروت و نفوذ هستند و تصمیمات کلیدی را در جامعه می‌گیرند.

توده (Mass): اکثریت جمعیت که فاقد قدرت و نفوذ قابل توجه هستند و تحت تأثیر نخبگان قرار دارند.

پارتو نخبگان را به دو دسته تقسیم می‌کند:

نخبگان حاکم (Governing Elite): کسانی که مستقیماً قدرت سیاسی را در دست دارند.

نخبگان غیرحاکم (Non-Governing Elite): کسانی که در حوزه‌های دیگر مانند اقتصاد، فرهنگ، هنر و غیره، دارای قدرت و نفوذ هستند.

مهم‌ترین نکته در نظریه پارتو، مفهوم “چرخش نخبگان” (Circulation of Elites) است. پارتو معتقد بود که نخبگان همواره در حال تغییر و جایگزینی هستند. نخبگان جدید از میان توده مردم ظهور می‌کنند و به تدریج جای نخبگان قدیمی را می‌گیرند. این چرخش نخبگان، عامل اصلی تحولات اجتماعی و سیاسی است (السدرجیمز، ۱۴۰۱).

۲-۳- نقش آیت‌الله بهشتی در مشروعیت حکومت با توجه به نظریه پارتو

آیت‌الله بهشتی را می‌توان به عنوان یک نخبه حاکم در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران در نظر گرفت. او دارای ویژگی‌های زیر بود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷):

قدرت: بهشتی یکی از بنیانگذاران جمهوری اسلامی، عضو شورای انقلاب، رئیس دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی بود. او قدرت زیادی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور داشت.

نفوذ: بهشتی دارای نفوذ زیادی در میان روحانیون، انقلابیون و اقشار مختلف مردم بود. او می‌توانست بر افکار عمومی تأثیر بگذارد و از سیاست‌های نظام دفاع کند.

دانش: بهشتی دارای دانش عمیق در زمینه فقه، فلسفه، حقوق و علوم سیاسی بود. او می‌توانست با استدلال‌های منطقی و دینی، از نظام جمهوری اسلامی دفاع کند و به آن مشروعیت ببخشد.

با توجه به نظریه پارتو، آیت‌الله بهشتی از طریق زیر به مشروعیت حکومت کمک کرد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲):

تولید ایدئولوژی: نخبگان، به‌ویژه رهبران فکری و مذهبی، نقش مهمی در تولید و ترویج ایدئولوژی‌هایی دارند که به حکومت مشروعیت می‌بخشند. این ایدئولوژی‌ها می‌توانند شامل ارزش‌های ملی، مذهبی، عدالت اجتماعی و یا هر مفهوم دیگری باشند که مورد قبول جامعه است. نهادسازی: نخبگان، به‌ویژه رهبران سیاسی، در ایجاد و توسعه نهادهایی نقش دارند که به حکومت کارآمدی و ثبات می‌بخشند. این نهادها می‌توانند شامل مجلس، قوه قضائیه، ارتش و سایر سازمان‌های دولتی باشند. اجرای سیاست‌ها: نخبگان، به‌ویژه مدیران و تکنوکرات‌ها، در اجرای سیاست‌هایی نقش دارند که به بهبود زندگی مردم و حل مشکلات جامعه کمک می‌کنند. این سیاست‌ها می‌توانند شامل برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و بهداشتی باشند. نمایندگی منافع: نخبگان، به‌ویژه رهبران سیاسی و اجتماعی، در نمایندگی منافع گروه‌های مختلف جامعه نقش دارند. این نمایندگی می‌تواند از طریق انتخابات، مذاکرات و یا سایر روش‌های مشارکت سیاسی انجام شود. توجیه اقدامات حکومت: در مواقع بحرانی، بهشتی با توجیه اقدامات حکومت، از آن دفاع می‌کرد و تلاش می‌کرد تا از کاهش مشروعیت آن جلوگیری کند.

تاکید بر مشارکت مردمی: در کنار تأکید بر مشروعیت الهی، بهشتی و جریان‌های پیرامون او، بر مشارکت و حضور مردم در نظام سیاسی نیز تأکید داشتند. این امر، به نوعی مشروعیت مردمی را نیز به نظام نسبت می‌داد (مردنی و صفدری، ۲۰۲۳). پارتو معتقد بود که نخبگان به‌طور مداوم در حال چرخش هستند. در مورد ایران، می‌توان گفت که پس از فوت آیت‌الله خمینی و آیت‌الله بهشتی، نخبگان جدیدی جایگزین آنها شدند و این امر، بر ماهیت و مشروعیت حکومت تأثیر گذاشت. در نتیجه، رهبران و نخبگان حکومتی، نقش بسیار مهمی در مشروعیت حکومت دارند. آیت‌الله بهشتی نیز به عنوان یک نخبه مذهبی و سیاسی، نقش مهمی در مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی ایران ایفا کرد. او با استفاده از قدرت، نفوذ و دانش خود، به تبیین ایدئولوژی نظام، نهادسازی، مبارزه با مخالفان و توجیه اقدامات حکومت پرداخت و به این ترتیب، به تقویت جایگاه نظام و تثبیت آن کمک کرد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲).

بررسی مبانی فکری آیت‌الله بهشتی

آیت‌الله بهشتی یکی از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار در انقلاب اسلامی ایران بود که مبانی فکری

منسجمی در حوزه‌های مختلف داشت. در اینجا به بررسی دیدگاه‌های ایشان پیرامون موضوعاتی چون: آزادی، انتخابات، ولایت فقیه، حقوق زنان، نقش روحانیون، دیدگاه‌های اقتصادی و منشأ مشروعیت پرداخته شد.

۲-۴-۱- دیدگاه آیت الله بهشتی نسبت به آزادی

آیت‌الله بهشتی مدافع آزادی بود و آن را زمینه‌ساز مشروعیت حکومت می‌دانست. از نظر ایشان، انسان تا آزاد نباشد انسان نمی‌ماند چون ویژگی اصلی انسان بودن انتخاب‌گری است که تنها در سایه آزادی حاصل می‌شود و مخالف دیدگاه قیم مآبانه بود که معتقد است باید اندیشه‌ها و ارزش‌های دینی را عقیل نمود (پناهی، ۲۰۲۲). آیت‌الله بهشتی همچنین در مورد آزادی در عقیده و اندیشه معتقد است که هیچ دین و اعتقاد دینی تحمیلی و به‌زور نیست و هرکس مختار است در انتخاب عقیده و اندیشه و اجباری برای تحمیل عقیده و اندیشه خاص وجود ندارد «در جمهوری اسلامی باید هم آزاد بیاندیشند و آزاد جستجو کنند و نسبت به هر چیزی آزادانه، آنچه را حق می‌یابند بپذیرند و دنبالش بروند» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲). بنابراین آیت‌الله بهشتی آزادی را نه به معنای رهایی مطلق، بلکه به عنوان «رشد دادن استعدادها در سایه نظم و قانون» تعریف می‌کرد. او معتقد بود آزادی باید در چارچوب ارزش‌های اسلامی و مصالح جامعه تعریف شود. ایشان بر آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأکید داشت و معتقد بود این آزادی‌ها باید به صورت متوازن و در جهت رشد و تعالی جامعه به کار گرفته شوند. بهشتی معتقد بود آزادی نباید به تضییع حقوق دیگران یا ایجاد هرج و مرج در جامعه منجر شود. قانون اساسی و موازین شرعی باید چارچوب آزادی‌ها را تعیین کنند (پناهی، ۲۰۲۲).

۲-۴-۲- دیدگاه آیت الله بهشتی نسبت به حقوق زنان

آیت‌الله بهشتی از جمله افرادی است که بیشترین وسعت میدان عمل اجتماعی را برای خانم‌ها قائل بود و این را در عمل هم نشان می‌داد؛ هم در فعالیت‌های اجتماعی و هم در خانه. به اصرار ایشان یک خانم به‌عنوان تنها نماینده زن در مجلس خبرگان در فهرست کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی معرفی شد که اتفاقاً انتخاب هم شد. ایشان همچنین اصرار داشتند در دیگر ارکان حزب هم خانم‌ها حضور فعال داشته باشند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۹) از دیدگاه آیت‌الله بهشتی تنگ‌نظری‌های موجود در ارتباط با حقوق زن و دختر در جامعه، نشأت گرفته از دیدگاه‌های خاص و تعصب‌آمیز است که زن را فقط و فقط چشمه پرورش‌دهنده فرزندان، نظافت کننده خانه و آشپزی زبردست

می‌بینند و ارزش وی را به‌عنوان انسانی فرهیخته و دانا نادیده می‌گیرند (حومی و جعفری، ۱۳۹۵). بنابراین آیت الله بهشتی معتقد بود زنان و مردان در انسانیت برابرند و باید از حقوق برابر برخوردار باشند. ایشان بر نقش فعال زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأکید داشت و معتقد بود زنان باید بتوانند در توسعه جامعه نقش مؤثری ایفا کنند همچنین آیت الله بهشتی حجاب را به‌عنوان یک ارزش اسلامی و نماد عفت و حیا می‌دانست، اما معتقد بود حجاب نباید به ابزاری برای محدود کردن زنان تبدیل شود (بهشتی، ۱۳۹۸).

۲-۴-۳- دیدگاه آیت الله بهشتی نسبت به انتخابات

آیت الله بهشتی استدلال می‌کردند که مردم نقش مهمی در حاکمیت دارند. آرای مردم پشتمان حکومت است زیرا که مشروعیت حکومت وابسته به آراء عمومی می‌باشد و هیچ حکومتی نباید با توسل به زور خود را بر مردم تحمیل نماید زیرا کارایی و مشروعیت حکومت کاهش می‌یابد. آیت الله بهشتی بیان می‌دارند یکی از مهم‌ترین اموری که مسلمانان نباید از آن غفلت کنند، مسئله تعیین حاکمیت و قدرت سیاسی است و باید در قبال این که چه کسی و چگونه به او فرمان‌روایی می‌کنند و از خود حساسیت نشان دهد، چراکه قدرت سیاسی با جان و مال و ناموس وی در ارتباط است (قدم خیری و امامی، ۲۰۲۵).

آیت الله بهشتی انتخابات را مظهر اراده مردم و یکی از ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی می‌دانست. ایشان بر ضرورت برگزاری انتخابات آزاد، سالم و عادلانه تأکید داشت و معتقد بود همه افراد واجد شرایط باید بتوانند در انتخابات شرکت کنند و نمایندگان خود را انتخاب کنند (قدم خیری و امامی، ۲۰۲۵). آیت الله بهشتی نقش مردم در انتخاب رهبران و مسئولان را بسیار مهم می‌دانست و معتقد بود مردم باید در تعیین سرنوشت خود نقش اساسی داشته باشند (خواجه سروی، ۱۳۹۳).

۲-۴-۴- دیدگاه آیت الله بهشتی نسبت به ولایت فقیه

آیت الله بهشتی یکی از مهم‌ترین مدافعان و نظریه‌پردازان بحث ولایت فقیه بود. ایشان استدلال می‌کردند که جامعه مکتبی نیازمند مرکز ثقل و رهبری واحد است تا بتواند جامعه را در مسیر آن مکتب هدایت کند و خود الگو و نمونه‌ای باشد در این مسیر (طحان‌نظیف و داریوند، ۲۰۲۴).

آیت الله بهشتی ولایت فقیه را به معنای “رهبری فقه‌ای” می‌دانست که در چارچوب قانون اساسی و با هدف حفظ اسلام و مصالح جامعه عمل می‌کند. ایشان معتقد بود اختیارات ولی فقیه باید در قانون اساسی مشخص شود و ولی فقیه نباید فراتر از قانون عمل کند. آیت الله بهشتی بر ضرورت

نظارت بر عملکرد ولی فقیه تأکید داشت و معتقد بود نهادهای قانونی باید بر عملکرد رهبری نظارت داشته باشند (مرندی و صفدری، ۲۰۲۲).

۲-۴-۵- دیدگاه آیت الله بهشتی نسبت به اقتصاد

آیت‌الله بهشتی با هرگونه تمرکز سرمایه بزرگ مخالف بود حال می‌خواهد افراد باشند یا دولت، او می‌خواست که سرمایه و امکانات در سطح وسیع بین مردم پخش شود تا آن‌ها مجبور به کار مزدی و اجیر شدن برای افراد دیگر یا دولت نشوند بلکه با امکانات و سرمایه‌ای که در اختیار دارند با پشتکار و نوآوری خود در زمینه اقتصادی فعالیت کنند تا آن‌که ارزش ایجادشده از کار هر فرد به خود او باز گردد و از برده‌داری انسان‌ها جلوگیری شود (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸). آیت‌الله بهشتی در زمینه اقتصادی دیدگاهی چپ‌گرایانه داشتند و خواهان بسط عدالت و برابری در جامعه بودند. وی معتقد بود اقتصاد باید بر اساس اصول اسلامی و عدالت اجتماعی بنا شود. ایشان بر ضرورت توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌ها در جامعه تأکید داشت و معتقد بود دولت باید در جهت کاهش فاصله طبقاتی تلاش کند. آیت‌الله بهشتی نقش دولت را تنظیم‌کننده و هدایت‌کننده اقتصاد می‌دانست و معتقد بود دولت باید در جهت حمایت از تولید داخلی و ایجاد اشتغال تلاش کند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۷).

۲-۴-۶- دیدگاه آیت الله بهشتی نسبت به منشأ مشروعیت

آیت‌الله بهشتی مشروعیت را تلفیقی از مشروعیت مردمی و مشروعیت الهی با هم می‌دانست. جمهوریت نشانه حاکمیت مردم و اسلامیت بیانگر حاکمیت الهی است. آیت‌الله بهشتی، مشروعیت را در ولایت مردم می‌دید، یعنی، مبنای مشروعیت حکومت را الهی می‌دانست و برای تحقق پیدا کردن حاکمیت الهی رضایت مردم و اکثریت هم لازم است (مرندی و صفدری، ۲۰۲۳). آیت‌الله بهشتی، امامت را در خط مستمری از پیامبر (ص) و معصومان (ع) تا فقها در زمان غیبت می‌داند که اینک در نظام جمهوری اسلامی تجلی یافته و در دو مقوله جمهوریت و نشانه حاکمیت مردمی و اسلامیت بیانگر حاکمیت الهی ظاهر شده‌است به گونه‌ای که در طول و نه در عرض یکدیگرند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸). تفسیری که آیت‌الله بهشتی از مشروعیت ارائه می‌داد بر هر دو پایه الهی و مردمی استوار است. بنابراین در فضای گفتمانی اوایل انقلاب، حاوی معنا برای اقشار وسیعی از جامعه ایرانی است که آن‌ها را جذب می‌نمود و از این رهگذر مبنای مشروعیت بخش دیگری برای حکومت تازه تأسیس مهیا می‌نمود. آیت‌الله بهشتی بهشتی معتقد بود منشأ مشروعیت نظام جمهوری

اسلامی، مردم هستند. ایشان معتقد بود نظام جمهوری اسلامی باید بر اساس ارزش‌های اسلامی و اراده مردم بنا شود. آیت الله بهشتی قانون اساسی را میثاق ملی می‌دانست و معتقد بود همه افراد و نهادها باید به قانون اساسی احترام بگذارند و از آن تبعیت کنند (حسینی بهشتی، سایت بهشتی، ۱۳۹۰).

۲-۴-۷- دیدگاه آیت الله بهشتی نسبت به روحانیت

آیت الله بهشتی خواهان ورود روحانیون در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزش و پرورش، دانشگاه و تدریس بود و انقلاب فرهنگی و انقلاب اقتصادی را از وظایف این گروه می‌دانست. زیرا حکومت اسلامی است و کسانی که متخصص اسلام هستند یعنی روحانیون، می‌بایست اصول اسلامی را در جامعه پیاده نمایند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۱). بنابراین، آیت الله بهشتی نقش روحانیون را رهبری معنوی جامعه و تبیین ارزش‌های اسلامی می‌دانست. ایشان معتقد بود روحانیون نباید به طور مستقیم در سیاست دخالت کنند، بلکه باید به عنوان مشاوران و راهنمایان جامعه عمل کنند. آیت الله بهشتی بر ضرورت ارتباط نزدیک روحانیون با مردم تأکید داشت و معتقد بود روحانیون باید از مشکلات و نیازهای مردم آگاه باشند و در جهت رفع آن‌ها تلاش کنند (محمدی، ۱۳۸۰).

۳- بیوگرافی آیت الله بهشتی

۳-۱- آیت الله بهشتی از تولد تا شهادت

آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، متولد ۱۳۰۷ در اصفهان، از چهره‌های کلیدی انقلاب اسلامی ایران بود. تحصیلات مقدماتی را در اصفهان و سپس دروس حوزوی را در قم ادامه داد و از محضر اساتید برجسته‌ای همچون امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی بهره برد (توکلی و موسوی، ۱۳۹۳). بهشتی در کنار تحصیل، به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز مشغول بود و در تأسیس دبیرستان دین و دانش در قم نقش داشت. در دهه ۴۰، به آلمان مهاجرت کرد و به عنوان امام جماعت مسجد هامبورگ فعالیت نمود (ناصری، ۱۳۹۱). پس از بازگشت به ایران، در مبارزات انقلاب اسلامی حضوری فعال داشت و از جمله بنیانگذاران حزب جمهوری اسلامی بود. پس از پیروزی انقلاب، عضو شورای انقلاب و سپس نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی شد (ساسانی و بهشتی سرشت، ۱۴۰۱). او در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی ایفا کرد و به عنوان دبیرکل حزب جمهوری اسلامی به فعالیت خود ادامه داد. بهشتی به عنوان

اولین رئیس دیوان عالی کشور منصوب شد و در شکل‌گیری نهادهای قضایی نظام جمهوری اسلامی نقش بسزایی داشت. آیت‌الله بهشتی در ۷ تیر ۱۳۶۰ در حادثه بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. ایشان به عنوان یکی از چهره‌های برجسته و مؤثر در شکل‌گیری و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. بهشتی به داشتن دیدگاه‌های نو و تلاش برای تبیین مبانی فکری نظام اسلامی شهرت داشت (افتخارزاده، ۱۳۸۵).

۳-۲- فعالیت‌های آیت‌الله بهشتی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران

نقش آیت‌الله بهشتی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران بسیار پررنگ و اثرگذار بود. ایشان در هر دو دوره، چه قبل از انقلاب به عنوان یک فعال فرهنگی و سیاسی و چه بعد از انقلاب به عنوان یک معمار نظام جمهوری اسلامی، نقش‌های کلیدی و تعیین‌کننده‌ای ایفا کردند (کاظمی و زارع بوشهری، ۱۴۰۳).

۳-۲-۱- فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی آیت‌الله بهشتی قبل از انقلاب

تأسیس دبیرستان دین و دانش در قم و تهران: این دبیرستان‌ها با هدف تربیت نسلی متعهد و متخصص، نقش مهمی در پرورش نیروهای انقلابی ایفا کردند. بهشتی در این مدارس، علاوه بر تدریس، به تربیت فکری و اخلاقی دانش‌آموزان می‌پرداخت. تأسیس مرکز اسلامی هامبورگ: بهشتی به مدت ۵ سال (۱۳۴۴-۱۳۴۹) به عنوان مدیر مرکز اسلامی هامبورگ فعالیت کرد. این مرکز به یک پایگاه مهم برای فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی ایرانیان مقیم اروپا تبدیل شد. بهشتی در این مرکز، به ترویج اسلام، دفاع از حقوق مسلمانان، و مبارزه با رژیم پهلوی می‌پرداخت. همکاری با مجله مکتب تشیع: بهشتی از نویسندگان و اعضای هیئت تحریریه مجله "مکتب تشیع" بود. این مجله با هدف ترویج اندیشه‌های نوین اسلامی و پاسخگویی به شبهات، نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به جامعه ایفا کرد (شعبانی، ۱۳۸۷).

۳-۲-۲- فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله بهشتی قبل از انقلاب

همکاری با امام خمینی (ره): بهشتی از یاران نزدیک و مورد اعتماد امام خمینی (ره) بود و در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مهم با ایشان مشورت می‌کرد. عضویت در شورای انقلاب: بهشتی از اعضای شورای انقلاب بود که پس از پیروزی انقلاب، مسئولیت اداره کشور را بر عهده داشت.

فعالیت در نهضت آزادی ایران: بهشتی در مقطعی با نهضت آزادی ایران همکاری داشت، اما به

دلیل اختلاف نظر در برخی مسائل، از این نهضت جدا شد.

تلاش برای وحدت نیروهای مذهبی و ملی: بهشتی تلاش زیادی برای ایجاد وحدت بین نیروهای مختلف مذهبی و ملی داشت. او معتقد بود که تنها با وحدت می‌توان رژیم پهلوی را سرنگون کرد و یک نظام اسلامی عادلانه را جایگزین آن نمود (کردی، ۱۳۸۵).

۳-۲-۳- فعالیت‌های آیت الله بهشتی بعد از انقلاب اسلامی ایران

معماری قانون اساسی: بهشتی به عنوان رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی، نقش محوری در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایفا کرد. او با دانش، تدبیر، و سعه صدر خود، توانست قانون اساسی‌ای را تدوین کند که مبنای نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت (ساسانی و بهشتی سرشت، ۱۴۰۱). تأسیس حزب جمهوری اسلامی: بهشتی به همراه جمعی از روحانیون و فعالان سیاسی، حزب جمهوری اسلامی را تأسیس کرد. این حزب با هدف سازماندهی نیروهای وفادار به انقلاب و ترویج اندیشه‌های امام خمینی (ره)، نقش مهمی در تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایفا کرد (کردی، ۱۳۸۵).

رئیس دیوان عالی کشور: بهشتی به عنوان اولین رئیس دیوان عالی کشور، نقش مهمی در تأسیس و سازماندهی نظام قضایی جمهوری اسلامی ایفا کرد. او تلاش کرد تا نظام قضایی‌ای را بر اساس اصول اسلامی و عدالت بنا کند.

مبارزه با انحرافات: بهشتی به شدت با انحرافات و کج‌روی‌ها در مسیر انقلاب مخالف بود. او با صراحت و شجاعت، به انتقاد از کسانی می‌پرداخت که از مسیر انقلاب منحرف شده بودند. این انتقادات، باعث شد که برخی افراد و گروه‌ها به او تهمت‌ها و افتراهای ناروایی بزنند.

در واقع آیت الله بهشتی قبل از انقلاب، به عنوان یک فعال فرهنگی و سیاسی، نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به جامعه و تربیت نیروهای انقلابی ایفا کرد. بعد از انقلاب، او به عنوان یک معمار نظام جمهوری اسلامی، نقش کلیدی در تدوین قانون اساسی، تأسیس حزب جمهوری اسلامی، و سازماندهی نظام قضایی ایفا کرد. به طور کلی، آیت الله بهشتی یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین شخصیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی ایران است (کاظمی و زارع بوشهری، ۱۴۰۳).

۴- روش‌شناسی پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر از روش اسنادی-تحلیلی استفاده شده است. در این پژوهش سعی گردید بر مبنای استخراج داده‌ها از اسناد موجود به تحلیل موضوع مورد مطالعه پرداخته شود. روش

اسنادی-تحلیلی یکی از روش‌های رایج در پژوهش‌های علوم سیاسی است که بر تحلیل و تفسیر اسناد و مدارک موجود برای رسیدن به نتایج و تبیین پدیده‌های سیاسی تمرکز دارد. در این روش، محقق با بررسی دقیق اسناد و مدارک مرتبط، به دنبال الگوها، روندها و روابطی می‌گردد که بتواند به درک بهتری از موضوع مورد مطالعه کمک کند (فیرحی، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری

کلیت مباحثی که در این نوشتار مطرح شد در راستای پاسخ به این سؤال اصلی بود که آیت‌الله بهشتی چه نقشی در تثبیت و مشروعیت بخشی به نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ آیت‌الله بهشتی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های انقلاب اسلامی و یکی از بنیان‌گذاران نظام جمهوری اسلامی بود. نقش او در تثبیت و مشروعیت نظام، در چندین حوزه چشم‌گیر است که هر کدام نقش اساسی در استحکام و پایداری نظام داشتند (ناصری، ۱۳۹۱).

۱. بنیان‌گذاری و تدوین قانون اساسی

یکی از مهم‌ترین اقدامات آیت‌الله بهشتی در مرحله پس از پیروزی انقلاب، نقش اصلی او در تدوین و پایه‌گذاری قانون اساسی جمهوری اسلامی بود. او با تکیه بر اصول اسلام و توجه به نیازهای جامعه، مجموعه‌ای از اصول و مبانی قانونی را تنظیم کرد که چارچوب مشروعیت نظام را تعریف می‌نمود. در این قانون، مفاهیم بنیادینی مانند ولایت فقیه، حاکمیت مردم و اصول اسلامی به عنوان ارکان اصلی نظام قرار گرفتند. این قانون، در واقع، چراغ راهنمای نظام شد و تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای بعدی را مشروعیت بخشید (مرندی و صفدری، ۲۰۲۲).

۲. تثویز کردن مفاهیم مشروعیت اسلامی

آیت‌الله بهشتی معتقد بود مشروعیت نظام باید هم از منظر شرع و دین و هم از نظر اراده مردم تأمین شود. او با تأکید بر این که حاکمیت در اسلام، ناشی از مشروعیت الهی و رضایت مردم است، تلاش کرد تا هر دو محور را در ساختار نظام تلفیق کند. این نگاه، مشروعیت دینی و مردمی را در کنار هم قرار داد و نظام جمهوری اسلامی را از نظر اخلاقی و قانونی مستحکم ساخت (مرندی و صفدری، ۲۰۲۳).

۳. نقش فعال در انقلاب و حفظ اتحاد ملی:

در دوران مبارزه و انقلاب، بهشتی نقش رهبری و مرجع بی‌بدیل داشت. او با هدایت و سازماندهی مخالفان، اعتماد عمومی را جلب کرد و نقش مؤثری در انسجام و وحدت انقلابی داشت.

پس از پیروزی انقلاب، او به عنوان یکی از رهبران اصلی، تلاش کرد تا نظام نوپا را پایدار و مستحکم کند و از هر گونه انحراف و تفرقه جلوگیری نماید.

۴. نظارت و نهادسازی:

آیت‌الله بهشتی پس از انقلاب در نهادهایی چون دیوان عالی کشور و شورای انقلاب نقش مهمی داشت. او با ایجاد سازوکارهای قانونی و نظارتی، پایه‌های استحکام ساختارهای حکومتی را بنا نهاد که این امر، اعتبار و مشروعیت حاکمیت را تقویت کرد و آن را در طول زمان مستحکم ساخت.

۵. تکیه بر مشروعیت معنوی و اخلاقی:

در فکر آیت‌الله بهشتی، مشروعیت نظام تنها بر پایه قوانین و ساختارهای قانونی نبود، بلکه بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی نیز تکیه داشت. او بر این باور بود که مشروعیت نظام باید از اصول اسلام و اخلاق اسلامی برخیزد تا پایداری و مقبولیت آن در جامعه تضمین شود. این رویکرد، اعتماد عمومی را به نظام بیشتر کرد و نفوذ معنوی و اخلاقی آن را افزایش داد (جلیلی، ۱۳۹۲).

آیت‌الله بهشتی با نقش‌های بنیادی در تدوین قانون اساسی، تئوریزه کردن مشروعیت اسلامی، رهبری انقلاب، و نهادسازی، نقش بسیار مهمی در تثبیت و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایفا کرد. او نه تنها پایه‌های فکری و قانونی نظام را بنا نهاد، بلکه با هدایت‌های مداوم و تلاش‌های مخلصانه، آن را در مسیر پایداری و مشروعیت نگه داشت. شخصیتی که او داشت، نماد وفاداری به اصول اسلام و اراده مردم بود و نقش مهمی در تثبیت جایگاه و مشروعیت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ انقلاب ایفا کرد. نظامی که امروز بر اساس همان اصول و ارزش‌ها استوار است، مرهون تلاش‌ها و رهبری آیت‌الله بهشتی است. نقش آیت‌الله بهشتی در تثبیت و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران، قابل انکار نیست (ساسانی و بهشتی سرشت، ۱۴۰۱). او با ترکیبی از رهبری سیاسی، فعالیت‌های فقهی و تلاش‌های سازمان‌دهی، نقش کلیدی در شکل‌گیری و استقرار نهادهای کلیدی نظام، مانند قوه قضاییه و تشکیلات انقلابی، ایفا کرد. مشارکتش در تدوین قانون اساسی و تبیین مواضع ایدئولوژیک نظام، به ویژه در دوران حساس پس از انقلاب، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت مشروعیت نظام و شکل‌گیری هویت سیاسی آن داشت. با وجود آنکه برخی از رویکردهای او مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، تأثیر او بر روند تثبیت نظام و ایجاد مشروعیت برای آن، در دوره‌های اولیه انقلاب، انکارناپذیر است (کاظمی و زارع بوشهری، ۱۴۰۳). به طور خلاصه، آیت‌الله بهشتی به عنوان یک شخصیت تأثیرگذار و کلیدی در شکل‌گیری و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، نقشی

اساسی و ماندگار بر جای گذاشته است. همچنین مبانی فکری آیت‌الله بهشتی در حوزه‌های مختلف، نشان‌دهنده تلاش ایشان برای ارائه یک الگوی اسلامی و مدرن از حکومت و جامعه است. او همواره بر ضرورت تعادل بین ارزش‌های اسلامی و مقتضیات زمان تأکید داشت و معتقد بود با تکیه بر عقلانیت و اجتهاد می‌توان به راهکارهای مناسب برای حل مسائل جامعه دست یافت.

فهرست منابع و مآخذ:

- افتخارزاده، م. (۱۳۸۵). بهشتی این‌گونه بود، بهشتی این‌گونه گفت، این‌گونه خواست، قم، انتشارات مؤسسه قدس، چاپ چهارم.
- امیدی، م. (۱۳۹۰). تحلیل مفهوم مفاد و ماهیت توجیه الزام سیاسی، دانش سیاسی، ۳(۱).
- بهشتی، ع. (۱۳۹۷). هفت مقاله در شناخت اندیشه سیاسی آیت الله بهشتی، تهران، انتشارات نهادگر.
- بهشتی، م. (۱۳۸۹). کتاب موقعیت زن از نظر اسلام، تهران، انتشارات روزنه، چاپ سوم.
- پناهی، س. (۲۰۲۲). تبیین مفهوم مردم سالاری دینی در اندیشه سیاسی شهید آیت الله سید محمد بهشتی. پژوهش نامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۱۸(۵)، صص ۱۰۴-۸۱.
- توکلی، ی. و موسوی، ا. (۱۳۹۳). سرچشمه: داستانی درباره زندگی شهید بهشتی، قم، دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها)، چاپ دوم.
- جلیلی، م. (۱۳۹۲). تاثیر اندیشه حکومت داری آیت الله بهشتی بر تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۷). ارزش‌ها در نگاه آیت الله بهشتی، تهران، انتشارات روزنامه جمهوری، چاپ سوم.
- حسینی بهشتی، م. (۱۳۸۸). بایدها و نبایدها، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت الله بهشتی.
- حسینی بهشتی، م. (۱۳۸۹). سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت الله بهشتی، تصحیح محمدرضا سربانندی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد دوم، چاپ دوم.
- حسینی بهشتی، م. (۱۳۹۱). بازشناسی یک اندیشه: یادنامه بیستمین سالگرد شهادت آیت‌الله بهشتی، ویراستار الهه محبی، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت الله بهشتی.
- حسینی بهشتی، م. (۱۳۹۲). او یک ملت تنها بود، تهیه و تنظیم واحد فرهنگی بنیاد آیت الله انقلاب اسلامی، تهران، جلد اول، چاپ پنجم.
- حسینی بهشتی، م. (۱۳۹۷). ولایت، رهبری، روحانیت، چاپ چهارم، تهران: روزنه.
- خواجeh سروی، غ. (۱۳۹۳). کتاب خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم.
- ساسانی، ص. و بهشتی سرشت، م. (۱۴۰۱). بررسی مواضع سیاسی آیت‌الله بهشتی در تحولات سال

۱۳۵۸ (مجلس خبرگان قانون اساسی و تسخیر لانه جاسوسی). تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، ۴(۸)، صص ۱۴۰-۱۲۳.

سبکتکین ریزی، ق. و شاه ولی، م. (۱۴۰۳). تحلیل جامعه شناختی رفتار نخبگان سیاسی ایران براساس نظریه پارتو و موسکا، سومین کنگره بین المللی مدیریت، اقتصاد، علوم انسانی و توسعه کسب و کار

السدرجیمز، م. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی پارتو: چارچوبی برای روان‌شناسی سیاسی، مترجمان قربانعلی قربانزاده سوار و امیر محمد ایزدی، نشر دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، چاپ اول. شعبانی، ا. (۱۳۸۷). تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

طحان نظیف، ه. و داریوند، و م. ص. (۲۰۲۴). ولایت فقیه و حدود اختیارات آن در اندیشه شهید دکتر بهشتی با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۵(۱)، صص ۱۶۲-۱۲۷.

فروهری، آ. و قنبری، م. (۲۰۲۴). بررسی اندیشه تمدنی شهید بهشتی در بُعد فقهی-سیاسی. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۴(۸)، صص ۱۶۱-۱۴۶.

قدم خیری، م. ت و امامی، ج. (۲۰۲۵). نقد و بررسی نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی و تأثیر آن بر نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۳(۱)، صص ۱۱-۱.

کاظمی، م. ح. و زارع بوشهری، م. (۱۴۰۳). نظام سازی در اندیشه سیاسی شهید آیت الله سید محمد بهشتی (ره)، پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، ۱(۱)، صص ۱۳۴-۱۲۲. کردی، ع. (۱۳۸۵). زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله بهشتی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

کواکبان، م. (۱۳۷۷). جمهوریت، مشروعیت و مقبولیت، جمهوریت و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

محمدی، م. (۱۳۸۰). انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، تهران: دفتر نشر و پخش معارف، چاپ سوم

مرندی، م و صفدری، ف. (۲۰۲۲). نظام سیاسی مطلوب در اندیشه آیت اله بهشتی، فصلنامه جامعه

- شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۳۹.
- مرندی، م و صفدری، ف. (۲۰۲۳). مردم سالاری دینی از دیدگاه آیت الله بهشتی. فصلنامه جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۰۷.
- ناصری، ا. (۱۳۹۱). برگی از زندگی شهید بهشتی، تهران، انتشارات یاران امین، چاپ دوم.
- هومی، ه. و جعفری، م. (۱۳۹۵). نگرش به مالکیت زن در اسلام، کنگره بین‌المللی جامع حقوق ایران.